

متن پرسش

عرض سلام و ادب: عطف به مقاله معرفت نفس از دیدگاه ملاًصدرا و افضل‌الدین کاشانی از مصطفی عزیزی علویجه صادق لاریجانی سوال دومی هم داشتم آیا مراتب کمال از منظر صدرا دقیقاً همان مراتب معرفت نفس است؟ چنانچه در مقاله ذکر شده: «مراتب معرفت نفس نخستین مرتبه از مراتب معرفت نفس، از دیدگاه حکمت متعالیه، مرتبه مثالی و خیالی است. در این مرتبه، نفس انسان با چشم خیالی و مثالی اش حقایق را مشاهده می کند که از حواس ظاهری پنهان هستند. این حقایق غیبی، خویش را در لباس تمثلات و صورت های مثالی، بر نفس انسان می نمایانند. در مرتبه دوم معرفت نفس، سالک به شهود حقایق عقلی بدون صورت مثالی و مادی می پردازد. او در این مرتبه (عقلی)، حقایق سَری و انوار غیبی را مشاهده می کند. مرتبه سوم معرفت نفس، و نهایت سیر الی الله، «فناء فی الله» می باشد. در این مرحله، سالک کوه انانیت را درهم می شکند و «خود» و خواسته های خود را نمی بیند. وی در این مرحله، تنها چشم بر خداوند می دوزد و در او فانی می گردد: فیظهر له أنوار سلطان الاحدیة و سواطع العظمة و الکبریاء الالهیة فیجعله هباءً منثوراً و یندک عند جمال الله تعالی جبلٌ إنیته، فیختر لله خروراً و ینتلاشی تعینیه فی التّعین الذاتی و یضمحلّ وجوده فی الوجود الالهی و هذا مقام الفناء و المحو. در این مرحله از معرفت نفس، سالک به هیچ چیز به عنوان امری مستقل نگاه نمی کند؛ بلکه همه چیز را رشحات فیض خداوند و عین فقر و وابستگی به او می بیند. در این حالت است که عارف دچار «هیمان» و «حیرت» و سرگردانی در عظمت و شکوه خالق هستی می شود. تعبیر دیگر درباره «فناء فی الله» این است که عارف، پس از عبور از عالم مثال و عقل خود به مرحله ای می رسد که فقر وجودی خویش و عین الربط بودن اش به حق تعالی را شهود می کند: إن وجود کلّ شیء لیس الا حقیقة هویتة المرتبطة بالوجود الحقّ القیوم... فاذن ادراک کلّ شیء لیس الا ملاحظة ذلك الشيء على الوجه الذي يرتبط بالواجب من ذلك الوجه الذي هو وجوده و موجودیته. اگر سالک در مقام «فنا و محو» باقی بماند و به مقام «بقا و صحو» بازنگردد، او در مقام «جمع» باقی مانده و از خلق به سوی حق، محجوب و پوشیده است و این به سبب محدودیت گنجایش وجودی اوست که نمی تواند به حالت «صحو» بازگردد. اما، بالاتر از این، مقام «صحو بعد المحو» و «نظر به تفصیل در عین جمع» می باشد: و فوق ذلك مرتبةٌ أُخری یرجع فیها إلى الصحو بعد المحو و نَظَرَ إلى التفصیل فی عین الجمع و وسع صدره الحقّ و الخلق... بحيث لم یکن افعاله حجاباً عن صفاته و لا الصفات عن ذاته بل کان مشاهداً لله تعالی فی کلّ ما یسمع و یری و ملاحظاً لوجهه فی کلّ ما یظهر و یخفی. سالک در این مرحله، با اینکه مستغرق در جمال و کمال حق است، به خلق بازمی گردد و در هر

چیزی که می شنود و می بیند، حق تعالی را مشاهده می نماید.»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین طور است. و این حکایت از آن دارد که چه اندازه «معرفت نفس» میدان وسیعی را در راستای درک حضور انسان در مراتب مختلف می گشاید و چرا مردانی همچون علامه حسن زاده این اندازه در رابطه با انسان و معرفت نفس تأکید دارند. در ضمن جناب کاشانی آن عارف کامل در مقدمه «منازل السائرین» نکاتی در این رابطه فرموده اند که خلاصه آن را در جواب سؤال شماره ۳۸۹۲۰ می توانید ملاحظه کنید. موفق باشید